

بررسی نگرش کشاورزان و کارشناسان استان ایلام نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی

صفا فرخی^۱ و حسن صدیقی^۲
۱، ۲، کارشناس ارشد و استادیار، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس
تاریخ پذیرش مقاله ۸۳/۳/۲۰

خلاصه

امروزه راهکار خصوصی سازی ترویج کشاورزی، به عنوان نمادی مکمل برای ترویج دولتی جایگاه قابل قبولی پیدا کرده است، به گونه ای که در دو دهه گذشته بسیاری از کشورها مراتبی از آن را به طور موفق تجربه نموده اند. هدف این تحقیق، بررسی نگرش کارشناسان ترویج و کشاورزان استان ایلام نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی و تعیین تأثیر ویژگیهای فردی و حرفه ای پاسخگویان بر نگرش آنان بوده است. جامعه آماری این تحقیق را تمامی کارشناسان ترویج استان ایلام و کشاورزان خرده پای استان تشکیل دادند. نتایج نشان می دهد که ۵۱/۵٪ از کارشناسان نسبت به خصوصی سازی ترویج نگرش «منفی» یا «نسبتا منفی» و ۴۸/۵٪ از آنان نگرش «نسبتا مثبت» یا «مثبت» دارند. در مورد کشاورزان نیز، ۷۲٪ نسبت به خصوصی سازی ترویج نگرش «منفی» یا «نسبتا منفی» و ۲۷/۵٪ دارای نگرش «نسبتا مثبت» یا «مثبت» بوده اند. وضعیت مکانیزاسیون فعالیتهای کشاورزی توسط آنان عموماً «ضعیف» و مشارکت آنان در فعالیتهای ترویجی نیز عموماً «متوسط» بوده است. ضرایب همبستگی بدست آمده نشان می دهد که بین جمعیت روستا ($r = 0.22$)، میزان اراضی زراعی ($r = 0.39$)، میزان مکانیزاسیون ($r = 0.25$) و مشارکت در فعالیتهای ترویجی ($r = 0.823$) با نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج رابطه مثبت و معنی داری وجود داشته است. تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می دهد که دومتغیر مشارکت در فعالیتهای ترویجی و میزان اراضی زراعی کشاورزان، تبیین کننده ۲۷٪ از تغییرات در نگرش آنان بوده است. برگزاری دوره های آموزشی پیرامون خصوصی سازی برای کارشناسان و کشاورزان، افزایش پوشش آموزشی ترویج از طریق بکارگیری مروجین دولتی و خصوصی، تقویت ارتباط دوسویه بین مروجین و محققین، برگزاری گردهمایی های تخصصی پیرامون خصوصی سازی ترویج، تشکیل کمیته خصوصی سازی ترویج در سطح ستادی وزارت جهاد کشاورزی و انجام مطالعات کاربردی از جمله پیشنهادهایی است که بر اساس نتایج حاصله ارائه شده است.

واژه های کلیدی: ترویج کشاورزی، خصوصی سازی، تعدیل اقتصادی، نگرش، مشارکت، مکانیزاسیون، و برنامه های ترویجی.

مقدمه

تشکیلات ترویج کشاورزی در کشور ما برگرفته از رهیافت متعارف ترویج بوده و ساختاری کاملاً دولتی دارد. ترویج کشاورزی از بدو تشکیل تا کنون (به استثنای سالهای دهه ۱۳۳۰)، همواره با مشکلات و تنگناهای خاص خود از قبیل مسایل مالی، استفاده نامناسب از منابع و نیروی انسانی، عدم کارآیی لازم و ساختار سازمانی نامناسب مواجه بوده است (۵). لذا نظام ترویج کشاورزی به منظور ایفای نقش اساسی خود در توسعه کشاورزی، باید اهداف خود را از نو تعریف کند، اهدافی که متأثر از تغییر در شرایط بخش کشاورزی، نیازها و خواسته‌های مخاطبان ترویج می‌باشد. در این راستا باید دلایل ناکارآمدی ترویج بررسی شده و در جستجوی راهکاری بود که با اجرای آن زمینه دستیابی به اهداف جدید فراهم شود. امروزه مفهوم خصوصی‌سازی جایگاه ویژه‌ای در عرصه کشاورزی کسب نموده و به دلیل وجود تجارب موفق در این زمینه، این راهکار از سوی صاحب‌نظران با اقبال عمومی مواجه شده است (۱۰).

خصوصی‌سازی به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت‌ها و دارایی‌ها به این بخش است. دو بعد واگذاری فعالیت‌ها و انتقال مالکیت‌ها در خصوصی سازی مورد توجه است. به بیان دیگر خصوصی‌سازی عبارتست از انتقال و واگذاری فعالیت‌های دولتی به بخش خصوصی و حذف هر گونه یارانه مستقیم و غیر مستقیم دولت با هدف افزایش کارآیی، اصلاح اقتصادی و یا کسب در آمد (۳). از اواخر دهه ۱۹۶۰ حرکت‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی در اروپای غربی شروع شد. پیگیری این روند در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه آمریکایی شمالی قرار گرفت و سیر این روند در دهه ۱۹۸۰ در آمریکایی جنوبی آغاز و حتی به آفریقا نیز کشیده شد. کشور ایران از اواخر دهه ۱۳۶۰ با آغاز اجرای نخستین برنامه عمرانیه بعد از انقلاب خود، در بستر تحولات خصوصی‌سازی قرار گرفته است. برای اتخاذ چنین خطمشی و سیاستی تاکنون دلایل مختلفی از سوی مراجع گوناگون عنوان شده است. در این زمینه مواردی همچون افزایش تقاضا و در پی آن تورم فشار هزینه، تقلیل کارایی عوامل تولید بویژه نیروی کار، گسترش بیکاری پنهان، رونق گرفتن فعالیت‌های غیر مولد و بزرگ شدن بیش از

حد متعارف دستگاه دولت قابل توجه است (۷). در ایران اتکای اقتصادی کشور به درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت و خطمشی صنعتی‌کردن از طریق واردات صنایع مونتاژ که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی، سیاست اقتصادی اصلی دولت به شمار می‌آمد، عملاً به افزایش وابستگی اقتصاد به بخش نفت انجامید، از این رو دولت از سال ۱۳۶۸ و پس از رهایی کامل از جنگ تحمیلی، درصدد بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش میزان دخالت‌های خود در امور اقتصادی جامعه برآمد. اجرای سیاست خصوصی‌سازی که در سال ۱۳۷۰ با تصویب هیأت دولت آغاز شده بود، در سال ۱۳۷۵ متوقف شد و پس از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، بار دیگر خصوصی‌سازی و واگذاری شرکتهای دولتی مورد مطالعه قرار گرفت. در یک تعامل دو جانبه بین دولت و مجلس شورای اسلامی، سرانجام در تبصره ۲۵ قانون بودجه کشور، این هماهنگی‌ها شکل قانونی به خود گرفت. آیین‌نامه اجرایی این تبصره در ۱۲ ماده تصویب و برای اجرا به وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شد (۲، ۷، ۸).

خصوصی‌سازی اهداف متعددی از قبیل کاهش اندازه و حوزه فعالیت بخش دولتی، انتقال مالکیت‌ها و کنترل اقتصادی، کاهش کسری بودجه و بدهیهای ملی، کاهش هزینه‌های دولتی، تعدیل یارانه‌ها و اختلاف قیمت‌ها، تعدیل مقررات، ایجاد رقابت و وابستگی در شاغلین شرکت‌ها، گسترش بازار سرمایه، تأمین منافع مصرف‌کننده و توزیع مناسب درآمدها را دنبال می‌کند (۱، ۳، ۸). آنچه که ذکر شد اهداف خصوصی‌سازی به مفهوم عام است، اما اینکه تا چه اندازه می‌توان اهداف مذکور را برای خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی نیز ترسیم نمود، جای تأمل و بحث دارد. بدیهی است هر جا که سخن از خصوصی‌سازی ترویج به میان می‌آید، هدف صرفاً این نیست که مالکیت بخش ترویج واگذار شود یا بدهیهای ملی همانند آنچه که در تعریف اهداف خصوصی‌سازی آمده تقلیل یابند، زیرا در ترویج کشاورزی به غیر از تولی و تصدی اداری آن توسط دولت، مفهوم عینی مالکیت را ندارد، از این رو هدف واگذاری مالکیت‌ها منتفی است و صرفاً بحث انتقال مسئولیت‌ها می‌تواند مطرح باشد. از طرفی در تشکیلات دولتی متولی بخش کشاورزی که در حال حاضر

است. تقریباً در همه کشورهای که بخش کشاورزی در عرصه ملی جایگاه ویژه‌ای دارد، گامهایی از خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی برداشته شده است. امروزه گستره خصوصی‌سازی در سطح جهانی چنان است که کشورهای در حال توسعه نیز با این حرکت همراه شده و با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرو در این زمینه، دست به اقدامات عملی زده‌اند (۱۸).

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی نگرش کارشناسان ترویج و کشاورزان استان ایلام نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی بوده و اهداف اختصاصی عبارتند از:

بررسی مشکلات ترویج کشاورزی در محدوده تحقیق

بررسی ویژگیهای حرفه‌ای کارشناسان ترویج و کشاورزان

بررسی میزان مشارکت کارشناسان ترویج و کشاورزان در

فعالیت‌های ترویجی

بررسی موانع و چالش‌های خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی

از دیدگاه کارشناسان

تعیین میزان همبستگی (I) نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج با ویژگیهای حرفه‌ای و فردی آنان (متغیرهای مستقل)

برآورد میزان (R^2) از متغیرهای مستقل در رگرسیون چند گانه که بتواند تغییرات در نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی (متغیر وابسته) را تبیین کند.

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی (Survey Research) انجام شد و از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این مطالعه را تمامی کارشناسان ترویج استان ایلام به تعداد ۴۲ نفر و کشاورزان خردپای استان تشکیل دادند. تعداد ۲۱۰ مزرعه که اسامی آنان در مراکز خدمات جهاد کشاورزی استان بصورت پراکنده وجود داشت گردآوری شد. تعداد ۱۳۶ نفر از کشاورزان به صورت تناسبی و به روش کاملاً تصادفی (Complete Randomized Sampling) بعنوان نمونه‌های این تحقیق انتخاب شدند. حجم نمونه‌ها براساس جدول ارائه شده از مطالعات منبع (۱۱) برآورد شد. متغیر وابسته تحقیق، نگرش کارشناسان ترویج و کشاورزان به خصوصی‌سازی ترویج بود. با

وزارت جهاد کشاورزی است، علی‌رغم اهمیت ترویج، اعتبارات این بخش نسبت به کل تشکیلات کشاورزی ناچیز است. نتیجه‌گیری منطقی آن است که بار مالی دولتی بودن ترویج کشاورزی در حدی نیست که منجر به کسری بودجه و یا افزایش بدهیهای ملی شود و لذا این بحث در حد یک هدف فرعی مطرح است. با این توضیحات به نظر می‌رسد مهمترین اهداف خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی در ایران شامل مواردی از قبیل: افزایش پوشش آموزشی خدمات ترویجی از طریق به کارگیری تشکیلات ترویج خصوصی بدون پرداخت هزینه از طرف دولت؛ ایجاد تحول در ترویج دولتی و افزایش کارایی آن از طریق رقابت ترویج خصوصی با آن؛ فراهم شدن زمینه‌های مشارکت گروههای مختلف کشاورزان (خرده‌مالک و عمده مالک) در فعالیتهای ترویجی؛ و افزایش اثر بخشی برنامه‌های ترویجی با انتخاب بهترین نظام ترویجی ممکن، می‌باشد (۳، ۵). دولتها از قدیم به جهت سهم قابل ملاحظه‌ای که نظام ترویج کشاورزی در توسعه کشاورزی دارد، نقش غالبی را در تدارک و ارائه خدمات ترویج کشاورزی بر عهده داشته‌اند. اما طی سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ در بسیاری از کشورهای صنعتی و حتی کشورهای در حال توسعه موضوع بالا بودن هزینه‌های ترویج دولتی از سوی اقتصاددانان و سیاستگذاران این کشورها مورد انتقاد بوده و در نتیجه، فرایند خصوصی‌سازی ترویج از اواسط دهه مذکور، یکباره و به صورت حرکتی جامع و فراگیر در بسیاری از کشورها آغاز گردید (۹، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۲). هر یک از این کشورها با توجه به شرایط خاص کشاورزی خود و با بررسی نگرش کشاورزان به خصوصی‌سازی، اقدام به تدوین الگویی برای این کار نمودند، به گونه‌ای که بتوانند موانع و چالش‌های موجود را رفع و در عمل به نتایج مطلوب دست یابند. ایجاد سازمانهای غیر دولتی ترویج، نهادهای تجاری کشاورزی، انجمن‌های کشاورزی و شرکت‌های مشاوره خصوصی همگی به عنوان ابزارهایی برای تحقق این هدف در نظر گرفته شده‌اند (۱، ۱۳، ۱۸).

امروزه در بسیاری از کشورها نظام ترویج دولتی و خصوصی‌به‌خوبی با همدیگر همکاری نموده و فعالیت آنها از هماهنگی لازم برخوردار است (۱۴). همچنین روند خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی جهانی، فزاینده و امیدوارکننده

رشته‌های علوم کشاورزی تحصیل کرده بودند. حدود ۳۳ درصد از آنان در پست های مدیریتی، و ۵۷ درصد در پست‌های غیر مدیریتی مشغول بودند. سابقه خدمت کارشناسان در سازمان جهاد کشاورزی بگونه ایست که ۴۸ درصد از آنان قبلا در سازمان کشاورزی و ۴۲ درصد نیز در سازمان جهاد سازندگی مشغول خدمت بود ند. نگرش ۱۵/۲٪ از کارشناسان نسبت به خصوصی سازی ترویج، «منفی»، ۳۶/۳٪ «نسبتا منفی»، ۳۰/۳٪ «نسبتا مثبت»، و نگرش ۱۸/۲٪ از آنان «مثبت» بود. به بیان دیگر ۵۱/۵٪ از کارشناسان نگرشی «منفی»، و یا «نسبتا منفی» نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی داشته، در حالیکه ۴۸/۵٪ از آنان نگرشی «نسبتا مثبت» و یا «مثبت» داشتند.

مشکلات ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان

به منظور شناسایی و تعیین اهمیت مشکلات فعلی ترویج کشاورزی، از کارشناسان خواسته شد تا مشکلات فعلی بخش ترویج و آموزش کشاورزی را با ذکر اهمیت آن مطرح کنند. با جمع بندی نظرات کارشناسان، مهم ترین مشکلات فعلی ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان استان که براساس اهمیت اولویت بندی شده است به شرح ذیل می باشد.

عدم وجود ارتباط دو سویه بین مروجین و محققین؛

ناکافی بودن تعداد مروجین نسبت به جمعیت و وسعت منطقه کشاورزان؛

کمبود وسایل نقلیه جهت انجام مأموریت‌های محوله؛

کمبود اعتبارات مالی، ناکافی بودن و نارسائی منابع علمی و تحقیقاتی برای مروجین؛

عدم توجه به ابعاد انسانی و ایجاد انگیزه در کارشناسان توسط مسئولین؛ و

بی‌علاقگی کشاورزان نسبت به کسب اطلاعات جدید از مروجین و آموزشگران.

با توجه به ضرورت آگاهی از دیدگاه کارشناسان، نظر آنان در مورد موانع و تنگناهای اجرایی خصوصی سازی ترویج کشاورزی در استان در قالب سئوالات باز پرسشنامه مربوطه اخذ شد که بر اساس درجه اهمیت آنان (آنچه نقل شده از دیدگاه کارشناسان) در ذیل الویت بندی شد که عبارتند از:

1. Content Validity

توجه به مبانی نظری موضوع، دو پرسشنامه جهت گردآوری داده ها تنظیم شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوایی^۱، روایی سازه‌ای^۲ و روایی ظاهری^۳ استفاده شد. آزمون پیشاهنگی برای تعیین اعتبار پرسشنامه ها انجام شد و ضریب پایایی (کرنباخ آلفا) با استفاده از نرم افزار SPSS for Windows (Version 9/0) برای پرسشنامه کارشناسان ۸۹٪ و برای پرسشنامه کشاورزان ۸۷٪ بدست آمد که نشان میدهد سئوالات نگرش پرسشنامه از اعتبار بالایی برخوردار بوده است. نمرات نگرش از مجموع پاسخهای سئوالات مربوطه بدست آمد که از نوع فاصله ای بوده و در آمار توصیفی مورد استفاده قرار گرفت. جهت توصیف میزان پراکندگی نگرش پاسخگویان، با توجه به اینکه پاسخها در دامنه صفر تا چهار قرار داشتند، طبقه بندی نگرش به صورت نگرش منفی، نسبتا منفی، نسبتا مثبت و مثبت انجام شد. متغیرهای مستقل از مرور ادبیات موضوع استخراج شده و برای کشاورزان شامل سن، سواد، میزان اراضی دیم و آبی، جمعیت روستا، دفعات مراجعه به مرکز خدمات یا مدیریت جهاد کشاورزی، درآمد، میزان مکانیزاسیون فعالیتهای کشاورزی و مشارکت در فعالیتهای ترویجی بود. از بین کارشناسان ۳۰ پرسشنامه قابل استفاده، و همچنین از بین کشاورزان ۱۲۰ پرسشنامه گردآوری شد که مورد پردازش آماری و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اقداماتی جهت کنترل و کاهش خطای نمونه گیری صورت گرفت و محاسبات آماری تفاوت معنی داری در میانگین متغیر وابسته بین پاسخگویان متقدمین و متأخرین نشان نداد که دلالت بر یک نواختی در جمع آوری دارد.

نتایج و بحث

کارشناسان

میانگین سنی کارشناسان ترویج ۳۳/۲ سال، و سابقه کاری آنان بطور متوسط ۱۱/۱۷ سال بود. رشته تحصیلی ۲۱ درصد آنان، ترویج و آموزش کشاورزی، و ۶۹ درصد بقیه در درسایر

- 1 . Content Validity
- 2 . Validity Construct
- 3 . Face Validity

کسب کرده‌اند، که نشانگر اهمیت نقش اطلاع‌رسانی این مراکز به کشاورزان می‌باشد. هم‌چنین کشاورزان کمترین اطلاعات را از کارشناسان خصوصی، مجلات و کتب کشاورزی و مراکز آزمایشگاهی و تحقیقاتی کسب نموده‌اند، که نشان می‌دهد تمایل به بهره‌گیری از خدمات آموزشی کارشناسان خصوصی اندک است و هم‌چنین به علت پایین بودن سطح سواد کشاورزان و یا نبودن فرهنگ مطالعه متون علمی کشاورزی، اطلاعات ناچیزی از این منابع کسب شده و به علت عدم دسترسی کشاورزان به مراکز تحقیقات کشاورزی، این مراکز در ردیف آخرین و کم اهمیت‌ترین منابع اطلاع‌رسانی قرار دارند. از نظر مکانیزاسیون کشاورزان وضعیت متوسطی داشتند، جدول شماره ۱ میزان مشارکت کشاورزان در فعالیتهای ترویجی و میزان بکارگیری مکانیزاسیون کشاورزی را نشان می‌دهد.

نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی از طریق ۱۲ سؤال که با توجه به حیطه‌های سه‌گانه نگرش یعنی حیطه دانشی، حیطه عاطفی و حیطه رفتاری (۴) طرح شده‌اند، مورد سنجش قرار گرفت. میزان نگرش کشاورزان، با استفاده از طیف ۵ قسمتی لیکرت برای هر یک از سئوالات، از مجموع جبری سئوالات بدست آمد. به منظور گروه‌بندی نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی، از الگوی چهار قسمتی نگرش منفی، نسبتا منفی، نسبتا مثبت و مثبت استفاده شده است. نگرش ۷۲/۵٪ از کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی، منفی و یا نسبتا منفی بوده، و ۲۷/۵٪ نیز دارای نگرش نسبتا مثبت و مثبت بوده‌اند. جدول شماره ۲ فراوانی میزان نگرش کشاورزان را نشان می‌دهد.

2. Construct Validity

3. Face Validity

وضعیت اقتصادی کشاورزان این اجازه و امکان را به آنان

نمی‌دهد؛

عدم آشنایی دقیق مروجان از نوع و شیوه کار کشاورزان و درک کامل نقایص روشهای مورد استفاده آنان؛

اهمیت ندادن کشاورزان به آموزش و ترویج کشاورزی و عدم درک صحیح آنان از نقش واقعی آموزش (چه دولتی و چه خصوصی) در فرایند تولید؛

عدم سودآوری کار کشاورزی در استان و وضعیت نامناسب مالی کشاورزان سبب می‌شود که اکثر آنان نتوانند در قبال بهره‌گیری از خدمات ترویج خصوصی پول پرداخت کنند؛

عدم آگاهی کشاورزان از ویژگیها و شرایط ترویج خصوصی؛

عدم وجود کارشناسان خبره و کارآمد برای کار در قالب ترویج خصوصی؛ و

ذهنیت نامناسب کشاورزان در مورد ترویج دولتی که سبب

تعمیم این ذهنیت نسبت به ترویج خصوصی نیز شده است.

کشاورزان

سن کشاورزان بین ۳۱ تا ۷۶ سال و با میانگین ۵۴/۷ سال بود. تعداد ۴۷ نفر از کشاورزان بی‌سواد، ۵۹ نفر دارای سواد خواندن و نوشتن، ۱۴ نفر دارای مدرک مقطع ابتدایی و میانگین میزان تحصیل رسمی ۲/۰۵ سال بوده است. میانگین مساحت اراضی دیم آنان ۷/۷ هکتار و میانگین مساحت اراضی آبی آنان ۱/۲ هکتار بود. حداقل در آمد آنان ۵۵۰۰۰۰ تومان و حداکثر ۱۶۰۰۰۰۰ تومان با میانگین ۱۰۶۲۰۰۰ تومان در ماه برآورد شد. براساس یافته‌های به دست آمده، کشاورزان بیشترین اطلاعات کشاورزی خود را از مرکز خدمات جهاد کشاورزی

جدول ۱- میزان مکانیزاسیون کشاورزی و مشارکت کشاورزان در برنامه های ترویجی

میزان مشارکت در فعالیتهای آموزشی ترویجی				میزان بکارگیری مکانیزاسیون کشاورزی			
درصدتجمعی	درصد	فراوانی		درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۹/۲	۹/۲	۱۱	ضعیف	۵۲/۵	۵۲/۵	۶۳	ضعیف
۵۵/۸	۴۶/۶	۵۶	متوسط	۷۴/۲	۲۱/۷	۲۶	متوسط
۸۳/۳	۲۷/۵	۳۳	خوب	۹۴/۲	۲۰	۲۴	خوب
۱۰۰	۱۶/۷	۲۰	عالی	۱۰۰	۵/۸	۷	عالی
	۱۰۰	۱۲۰	جمع		۱۰۰	۱۲۰	جمع

جدول ۲- میزان نگرش کشاورزان نسبت به ترویج و آموزش

کشاورزی			
نگرش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
منفی	۶	۵	۵
نسبتاً منفی	۸۱	۶۷/۵	۷۲/۵
نسبتاً مثبت	۴	۳/۳	۷۵/۸
مثبت	۲۹	۲۴/۲	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	

جدول ۳- همبستگی نگرش کشاورزان (نسبت به

خصوصی سازی) با متغیرهای مستقل

متغیر مستقل مورد بررسی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فاصله روستا تا مرکز خدمات	-۰/۰۵P	۰/۵۸۹
موقعیت روستا نسبت به جاده اصلی	۰/۰۱۸S	۰/۸۴۴
جمعیت روستا	۰/۲۲۱p	۰/۰۱۵*
سن کشاورزان	-۰/۰۳۱p	۰/۷۳۵
سطح سواد کشاورزان	۰/۰۲۹S	۰/۷۴۹
سابقه کار در حرفه کشاورزی	-۰/۱۰۷p	۰/۲۴۶
میزان اراضی آبی	-۰/۰۲۳p	۰/۸۰۲
میزان اراضی دیم	۰/۳۸۷p	۰/۰۰۰**
دفعات مراجعه به مراکز خدمات کشاورزی	-۰/۱۰۰p	۰/۲۷۷
در آمد حاصله از کشاورزی	۰/۱۷۴p	۰/۰۵۷
میزان بکارگیری مکانیزاسیون کشاورزی	۰/۲۵۵p	۰/۰۰۵**
میزان مشارکت در فعالیتهای ترویجی	۰/۸۲۳S	۰/۰۰۰**

P: ضریب همبستگی پیرسون S: ضریب همبستگی اسپیرمن

* P ≤ ۰/۰۵ ** P ≤ ۰/۰۰۱

روستا تا مرکز خدمات جهاد کشاورزی، موقعیت روستا نسبت به جاده اصلی، جمعیت روستا، سن، سواد، سابقه کار، مساحت اراضی آبی و دیم، دفعات مراجعه به مرکز خدمات جهاد کشاورزی، درآمد، مکانیزاسیون فعالیتهای کشاورزی و مشارکت در فعالیتهای ترویجی. در جدول شماره ۳ نتایج حاصله از تحلیل همبستگی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن نشان داده شده است.

بررسی ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، نشان می‌دهد که رابطه میان فاصله روستا تا مرکز خدمات جهاد کشاورزی، موقعیت روستا نسبت به جاده اصلی، سن، سواد، سابقه کار کشاورزی، میزان اراضی آبی، دفعات مراجعه به مرکز خدمات جهاد کشاورزی و درآمد حاصله از کشاورزی با نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی، معنی دار نیست. بنابراین می توان با اطمینان ۹۵٪ قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و نگرش نسبت به خصوصی ترویج کشاورزی، هیچ گونه رابطه معنی داری وجود ندارد. ضریب پیرسون محاسبه شده برای متغیر مستقل جمعیت روستا و متغیر وابسته تحقیق معادل $r = ۰/۲۲۱$ است که در سطح ۵٪ معنی دار می باشد (P=۰/۰۱۵) بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان قضاوت نمود که بین جمعیت روستا و نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب پیرسون محاسبه شده برای متغیر مستقل میزان اراضی دیم با متغیر وابسته تحقیق $r = ۰/۳۸۷$ است که در سطح ۵٪ معنی دار می باشد (P=۰/۰۰۰). بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان قضاوت نمود که بین میزان اراضی دیم کشاورزان و نگرش آنان به خصوصی سازی ترویج کشاورزی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به این معنی که کشاورزانی که دارای زمین بیشتری هستند، دارای نگرش مساعدتری نسبت به خصوصی سازی ترویج هستند. ضریب پیرسون محاسبه شده برای متغیر مستقل مکانیزاسیون کشاورزی و متغیر وابسته تحقیق، $r = ۰/۲۵۵$ است که در سطح ۵٪ معنی دار می باشد (P=۰/۰۰۵). از این رو با اطمینان ۹۵٪ می توان قضاوت نمود که بین میزان مکانیزاسیون فعالیتهای کشاورزی و نگرش به خصوصی سازی ترویج کشاورزی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب اسپیرمن

رابطه متغیرها با نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج

برای آزمون همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه در جامعه کشاورزان، با توجه به نوع مقیاس متغیرهای مورد بررسی از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده شد. با عنایت به سئوالات و اهداف تحقیق، متغیرهایی که با متغیر اصلی (نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی) از طریق آزمون همبستگی تحلیل می گردند عبارتند از: فاصله

دیم بیشتر، نگرش مساعدتری نسبت به خصوصی سازی ترویج داشته‌اند. در پایان گام دوم با توجه به آنکه خطای آزمون به ۵٪ رسیده است، عملیات رگرسیون به پایان رسیده و مدل رگرسیون به صورت نهایی در آمده است. براین اساس در مجموع، تنها دو متغیر در مدل رگرسیون وارد شده‌اند و پس از استاندارد نمودن ضرایب رگرسیون مدل نهایی به صورت زیر ارائه می‌گردد.

$$Y = 0.375 X_1 + 0.321 X_2 + 0.5677$$

که در آن:

X_1 : مشارکت در فعالیتهای ترویجی

X_2 : میزان اراضی دیم می‌باشد.

مدل فوق نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان، ابتدا مشارکت آنان در فعالیتهای ترویجی و در مرحله بعدی میزان اراضی دیم آنان می‌باشد. نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که R^2 در گام اول برابر با ۰/۱۸۰ و در گام دوم برابر با ۰/۲۷۴ می‌باشد که نشان می‌دهد دو متغیر وارد شده در مدل در مجموع توانسته‌اند به میزان ۲۷/۴٪ میزان تغییرات در نگرش کشاورزان را تبیین کنند و به عبارتی دیگر حدود ۰/۷۳ از نوسانات مربوط به اثرات سایر عواملی است که در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

نتیجه‌گیری‌ها

براساس یافته‌های موجود، ۷۲/۵ درصد از کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی نگرش منفی و نسبتاً منفی داشته و ۲۷/۵ درصد دیگر نگرش نسبتاً مثبت و مثبت داشته‌اند، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر اکثریت کشاورزان در جامعه آماری تحقیق به دلایل مختلف اقتصادی، فرهنگی و دانشی با خصوصی سازی ترویج کشاورزی موافق نیستند. براساس اطلاعات کسب شده، کشاورزان تأثیر خصوصی سازی ترویج در بهبود وضعیت اقتصادی خود را در حد «کم» تلقی کرده‌اند. در حالیکه بنا به تحقیقات (۱۶) در مکزیک، اکثر کشاورزان معتقد بوده‌اند که ترویج خصوصی در بهبود وضعیت اقتصادی آنان تأثیر «زیادی» داشته است.

در مورد آمادگی کشاورزان برای پرداخت وجه در قبال استفاده از خدمات ترویج خصوصی، طبق اطلاعات کسب شده

محاسبه شده برای متغیر مستقل مشارکت در فعالیتهای ترویجی و متغیر وابسته تحقیق $T=0/823$ است که در سطح ۵٪ معنی‌دار است ($p=0/000$)، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان قضاوت نمود که بین میزان مشارکت کشاورزان در فعالیتهای ترویجی و نگرش آنان به خصوصی سازی ترویج کشاورزی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، به گونه‌ای که هر چه این مشارکت افزایش یابد، نگرش آنان نیز مساعدتر و مطلوب می‌شود.

تحلیل رگرسیونی نگرش کشاورزان

بمنظور بررسی و تحلیل مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی از رگرسیون چندگانه استفاده شد. روشی که برای شناخت مدل رگرسیون بکار گرفته شد، روش گام به گام است. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام در جدول شماره ۴ و ۵ آمده است.

جدول ۴- ضرایب تعیین و تعدیل شده و خطای استاندارد

گام رگرسیون	ضریب همبستگی چند گانه (R)	R^2	$R^2_{A.D}$	SE	در گامهای رگرسیون	
					مشارکت	میزان اراضی دیم
گام اول	۰/۴۳۲	۰/۱۸۶	۰/۱۸۰	۰/۶۰۳۴	مشارکت	میزان اراضی دیم
گام دوم	۰/۵۳۵	۰/۲۸۶	۰/۲۷۴	۰/۵۶۷۷	مشارکت	میزان اراضی دیم

جدول ۵- تحلیل رگرسیون در مدل نهایی

رگرسیون	متغیرهای مدل	ضرایب استاندارد نشده	خطای استاندارد	B	استاندارد
عدد ثابت		۰/۵۴۹	۰/۲۴۴	-	
مشارکت در برنامه‌های ترویجی		۰/۷۰۳	۰/۱۴۹	۰/۳۷۵	
میزان اراضی دیم		۰/۱۰۰	۰/۰۲۵	۰/۳۲۱	

نتایج حاصله از جداول شماره ۴ و ۵ نشان می‌دهد که در گام اول، متغیر مشارکت در فعالیتهای ترویجی بعنوان مهمترین متغیر تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان، وارد مدل شده، ولی متغیرهای وارد شده در گام دوم رگرسیون نشان می‌دهد که دومین متغیر تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان میزان اراضی دیم آنها بوده است. رابطه این متغیر با نگرش کشاورزان بصورت مثبت است و نشان‌دهنده این است که کشاورزان دارای اراضی

سطح دانش و آگاهیهای این دو گروه، اقدامات آموزشی و خبررسانی مناسب از قبیل دوره‌های آموزشی، گردهمایی‌ها و دوره‌های آموزش ضمن خدمت انجام پذیرد.

از آنجا که ناکافی بودن پوشش آموزشی ترویج به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی ترویج مطرح شده است، لذا پیشنهاد می‌گردد تا ضمن بهره‌گیری از همکاری تعداد بیشتری از مروجین و کارشناسان ترویج، کمیت و کیفیت دوره‌های آموزشی ترویج افزایش یابد.

از آنجا که نبود ارتباط دو سویه بین محققین و کارکنان ترویج به عنوان مهم‌ترین مشکل فعلی ترویج دولتی مطرح شده است، لذا پیشنهاد می‌شود تا از طریق برنامه‌ریزیهای مناسب نسبت به تقویت مکانیزمهای ارتباطی محققین و مروجین و برگزاری جلسات مشترک در قالب کمیته‌های اجرایی و طرحهای تحقیقی-ترویجی اقدام لازم صورت پذیرد.

با توجه به اینکه در جامعه آماری کارشناسان بین میزان تحصیلات و نگرش به خصوصی‌سازی ترویج رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته، لذا پیشنهاد می‌شود نسبت به ارتقاء سطح تحصیلات کارشناسان از طریق حمایت‌های دولتی و هم‌چنین جذب دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلی بالا در رشته ترویج و آموزش کشاورزی اقدام لازم به عمل آید.

با توجه به همبستگی بین میزان اراضی و مکانیزاسیون فعالیت‌های کشاورزی با نگرش کشاورزان به خصوصی‌سازی ترویج، پیشنهاد می‌گردد نسبت به اقدامات یکپارچه‌سازی اراضی، افزایش سطح زیر کشت از طریق احیاء اراضی موات و فعالیت‌های آموزشی لازم برای افزایش مکانیزاسیون اهتمام لازم صورت پذیرد.

با توجه به همبستگی بین مشارکت کشاورزان در فعالیت‌های ترویجی و نگرش آنان به خصوصی‌سازی ترویج پیشنهاد می‌شود که نسبت به ایجاد زمینه‌مشارکت بیشتر کشاورزان و افزایش کمی و کیفی دوره‌های آموزشی مربوطه اقدام شود.

کمترین آمادگی وجود داشته و تنها ۲۷/۵ درصد حاضر به این کار بوده‌اند، اما در تحقیقات داخلی دیگر (منابع ۱، ۳)، این رقم ۳۸ درصد و در تحقیقات محققان خارج (منابع ۱۷، ۱۹) این رقم تا ۸۹ درصد گزارش شده است، البته ممکن است این مطلب بخاطر وضعیت اقتصادی کشاورزان در این تحقیق که به علت کوچک بودن، پراکنده بودن و دیم بودن اراضی و دیگر دلایل ناشناخته باشد.

برای تبیین میزان ارتباط هر یک از متغیرهای مستقل با نگرش کشاورزان از الگوی Davis استفاده شد (منبع ۱۱)، و براساس آن بین متغیر مشارکت در فعالیت‌های ترویجی ($r=0/823$) و نگرش ارتباط خیلی قوی؛ بین متغیر میزان اراضی دیم ($r=0/38$) و نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج ارتباط متوسط؛ بین متغیرهای درآمد ($r=0/17$)، مکانیزاسیون فعالیت‌های کشاورزی ($r=0/25$)، دفعات مراجعه به مراکز خدمات جهاد کشاورزی ($r=-0/1$)، سابقه کار کشاورزی ($r=0/1$)، و جمعیت روستا ($r=0/22$) با نگرش ارتباط ضعیف؛ و میزان ارتباط سایر متغیرهای مستقل با نگرش کشاورزان نسبت به خصوصی‌سازی ترویج ناچیز بوده است.

الگوی خصوصی‌سازی ترویج در کشورهای مختلف، یکسان نیست و هر یک از کشورها به شیوه‌ای خاص و متناسب با شرایط کلی بخش کشاورزی خود، نسبت به خصوصی‌سازی ترویج اقدام کرده‌اند. معهدا نتیجه منطقی این است که خصوصی‌سازی دارای نسخه واحدی نیست که بتوان آن را در هر شرایطی به طور موفق اجرا نمود.

پیشنهادها

با توجه به اینکه طیف وسیعی از کارشناسان و کشاورزان نظر خاصی در مورد خصوصی‌سازی ترویج نداشته‌اند، لذا به نظر می‌رسد که این نحوه نگرش عمدتاً توأم با نوعی بی‌اطلاعی و یا کم‌آگاهی در این زمینه است که امکان اظهار نظر صریح را از آنان سلب نموده است، از این رو پیشنهاد می‌شود برای افزایش

REFERENCES

مراجع مورد استفاده

۱. بی‌نام. ۱۳۷۹. ترویج پیمانی. ماهنامه مروج. ۵: ۸.
۲. پاکدامن، ر. ۱۳۷۴. جنبه‌های کاربرد خصوصی‌سازی به انضمام قوانین و مقررات ایران. تهران: انتشارات مجمع علمی، فرهنگی مجد.

۳. حاجی میررحیمی، د. و ع. کرمی. ۱۳۷۶. فقر روستایی و خصوصی سازی ترویج. مجموعه مقالات هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز. ۲۱۵-۱۹۴.
۴. رفیع پور، ف. ۱۳۷۲. سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهادسازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
۵. کرمی، ع و الف. فنایی. ۱۳۷۲. نظام های ترویج خصوصی. فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه. تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. ۲۷۱-۲۶۱.
۶. کیمجانی، الف. ۱۳۷۷. پیشنهاد تشکیل نهاد مستقل نظارت بر واگذاری در راستای سیاست خصوصی سازی. فصلنامه اقتصاد ۱: ۴۱-۳۵.
۷. ماهر، ف. ۱۳۷۷. خصوصی سازی، نقش و اهمیت آن. فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه. تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. ۱۹۲-۱۷۵.
۸. متوسلی، م. ۱۳۷۳. خصوصی سازی با ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
9. Bloom, P. 1993. Privatization lessons for U. S. Extension from Newzealand and Tasmania. Journal of Extension [On-line], Available on: [Http://www.joe.org/joe/1993_spring/intl 1. Html](http://www.joe.org/joe/1993_spring/intl1.html).
10. Chandra Shekara, P. 2001. Private Extension in India: Myths, Realities, Apprehensions and Approaches. In: P. Chandra Shekara(ed). Private Extension in India: Myths, Realities, Apprehensions and Approaches. (1-18). India: NIAEM.
11. Davis, J. A. 1971. Elementary Survey Analyses. Prentice-Hall. Englewood Cliffs, NJ.
12. Hall, M. H., Morris, S. D. & Kuiper, D. 1999. Privatization of Agricultural Extension in Newzealand. Implications for the Environment and Sustainable Agriculture. Journal of Sustainable Agriculture. Vol.14(1), 59-70.
13. Krishna Prasad, T. & Md. Suleman Khan. 2001. Privatization of Extension and Its Relevance in India Context. In: P. Chandra Shekara(ed). Private Extension in India: Myths, Realities, Apprehensions and Approaches. (135-153). India: NIAEM.
14. Prasad, C. & S. P. Singh. 1991. Appropriate Extension Strategy for Scientific Rainfed Farming. New Delhi. India Farming.
15. Proost, J. & P. Duijsings. 2001. Going Dutch in Extension: 10 Years of Experiences with Privatized Extension in the Netherlands. Washington D. C. the World Bank.
16. Quispe, A. 1997. Toward Privatization of Agricultural Extension: A Case Study of the Veracruz Self-Management System of Production, Mexico. Journal of International Agricultural and Extension Education [Online], 4. Available on :<http://www.ag.arizona.edu/aiaee/journals/Vol4.3.pdf>.
17. Rennar, R. & F. Musser, & T. Bruening. 1996. The Potential for Linking Private and Public Extension Services in Bangladesh. Journal of International Agricultural and Extension Education [On-line], 3. Available on : <http://www.ag.arizona.edu/aiaee/journals/Vol3.2.Pdf>.
18. Rivera, W. 1992. Global Trends in Extension Privatization. Journal of Extension [On-line], 30. Available on: [http://www.joe.org/joe/1992_fall/intl1. html](http://www.joe.org/joe/1992_fall/intl1.html).
19. Rivera, W. 1993. Impacts of Extension Privatization. Journal of Extension [On-line], 31. Available on: [http://www.joe.org/joe/1993_fall/intl1. html](http://www.joe.org/joe/1993_fall/intl1.html).
20. Sally, F. Marsh & J. David, Pannell. 1997. The Changing Relationship Between Private and Public Sector Agricultural Extension in Australia. In: 2nd Australia Pacific Extension Conference. Vol. 2, 350-356.
21. Umali D. L. & L. Schwartz. 1994. Public and Private Agricultural Extension: Beyond Traditional Frontiers. World Bank discussion papers. (236), 83-95.
22. Wielienga, E. 2000. Rural Extension in Vital Networks, Changing Roles of Extension in Dutch Agriculture. Journal of International Agricultural and Extension Education [On-line], 7. Available on: [http://www, ag.arizona. edu/aiaee/journals/Vol7. 1. pdf](http://www.ag.arizona.edu/aiaee/journals/Vol7.1.pdf).

Attitude of Farmers and Specialists toward Agricultural Extension Privatization in Ilam, Iran

S. FARROKHI¹ AND H. SADIGHI²

1, 2, Former Graduate Student and Assistant Professor, Faculty of Agriculture, University of Tarbiat Modarres

Accepted. June. 8, 2004

SUMMARY

The main objective of this research was to investigate the farmers' and specialists' perception toward privatization of agricultural extension in Ilam province. The population of this study consisted of two groups: all extension specialists, as well as the subsistence farmers in the province. A questionnaire was designed to collect data. All specialists (42), as well as 136 of the farmers were proportionately sampled through a complete randomized sampling process. The results indicated that %51.5 of ESs and 72.5% of the farmers had negative or somewhat negative perception toward extension privatization. Farmer's level of participation in extension educational activities was assessed to be at a medium level. The level of agricultural mechanization practiced by farmers was considered to be at a "low" level. Bivariate Correlation coefficients showed statistically significant relationship between rural population density, amount of farming land area, mechanization level, the level of participation in extension activities, and farmers' perception toward agricultural extension privatization. Multiple regression analysis indicates that the variables of participation in extension educational activities and the area of farming land owned by farmers explained %27 of variation in farmers' perception toward extension privatization.

Key words: Agricultural Extension, Privatization, Perception, Extension specialists, Farmers, Participation, Agricultural mechanization.